

یعقوب جعفری

قرآن در قرآن (۱۳)
نزول قرآن

کیفیت نزول قرآن

نزول آیات قرآنی بر پیامبر اسلام يك نزول مادی نیست که مثلاً قرآن به صورت لوحی یا دفتری یا اوراقی در آسمان نوشته شده باشد آنگاه فرشته ای مانند کبوتر نامه رسان آن را بر زمین فرود آورد و تسلیم پیامبر کند! بلکه همانگونه که قبلاً نیز اشاره کردیم نزول قرآن يك نزول معنوی و روحانی است و عبارت است از افاضه ای که از طرف خداوند به پیامبر شده و پیامبر شایستگی دریافت پیامهای الهی را پیدا کرده و حقائق الهی از طریق وحی در قلب او جای گرفته است. اکنون ببینیم که این افاضه به چه صورت بوده و پیامبر این پیامها را چگونه دریافت می کرده است؟

قبلاً بدانیم افاضاتی که از جانب خداوند برای کسی یا چیزی صورت می گیرد و پیامی یا مطلبی به او القاء می گردد در قرآن تعبیرهای مختلفی دارد که عبارتند از:

۱ - وحی - این تعبیر در قرآن کریم معمولاً در مورد پیامبران به کار رفته اما در مواردی هم درباره غیر پیامبران نیز استعمال شده است مانند:

﴿وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ﴾ (تقصص آیه ۷) و به مادر موسی وحی کردیم که او را شیر بده و... وحی به مادر موسی در سوره طه آیه ۳۸ نیز آمده است.

﴿وَ أَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا﴾ (سوره نحل آیه ۶۸): «پروردگار توبه زنبور عسل وحی کرد که از کوهها برای خودخانه هائی بگیرد.

﴿وَ أَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا﴾ (سوره فصلت، آیه ۱۲): در هر آسمانی امر آن را وحی

نمود.

۲- الهام. این کلمه فقط یکبار در قرآن آمده و در مورد غرائزی است که خداوند به نفس انسانی افاضه کرده است:

﴿ وَ نَفْسٍ وَمَا سَوَّيْنَاهَا فَأَلْهَمْنَاهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا ﴾ (سوره ضحیٰ آیات ۷ و ۸): قسم به نفس و آنکه آن را آفرید پس به او فجور و تقوا را الهام نمود.

۳- تکلم. که به معنی ایجاد کلام است به صورتی که مخاطب مطلب را به وسیله آن دریافت کند. مانند این آیات:

﴿ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ ﴾ (سوره بقره آیه ۲۵۳): واز پیامبران کسانی هستند که خداوند با آنها سخن گفت.

﴿ وَ كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا ﴾ (سوره نساء آیه ۱۶۴) و خداوند باموسی سخن گفت.
در باره تکلم و مفهوم آن به زودی بحث خواهیم کرد.

۴- انزال و تنزیل. این دو واژه در فرستادن قرآن و کتب آسمانی دیگر به کار رفته و پیش از این به تفصیل در این مورد سخن گفتیم.

۵- تنبیه. به معنی خبر دادن و آگاه ساختن:

﴿ قَدْ بَيَّنَّا لِلَّهِ مِنْ أَخْبَارِكُمْ ﴾ (سوره توبه آیه ۹۴): همانا خداوند ما را از اخبار شما آگاه کرده است.

﴿ قَالَ يَا أَيُّهَا الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ ﴾ (سوره مریم، آیه ۳): گفت خداوند علیم و خبیر به من خبیر داده است.

۶- اِقْرَأ. این واژه معادل فارسی ندارد و مفهوم آن وادار کردن کسی است به قرائت و خواندن که در این آیه آمده است:

﴿ سَنَقِرُكَ بِهَا كِتَابَكَ فَإِذَا عَلَّمْنَا مِمَّا نَشَاءُ بِأَرْسَالِنَا وَمَا نَشَاءُ نَسْنَأُ وَإِنَّا كَاشِفُو الْعُقَدِ وَإِنَّا سَنَجْعَلُ لَكَ خَيْرًا مِمَّا يَحْسَبُونَ ﴿۶﴾ ﴾ (سوره اعلیٰ آیه ۶): به زودی تورا وادار به خواندن می کنیم تا فراموش نکنی.

۷- القاء. به معنی انداختن مطلب به فکر و ذهن طرف است. به این آیه توجه کنید که خداوند خطاب به پیامبر می فرماید:

﴿ إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا ﴾ (سوره مزمل آیه ۵): ما به زودی سخن سنگینی بر تو القاء خواهیم کرد.

۸- قَصَص. به معنای خبر دادن است که بیشتر در مورد خبر دادن از حالات گذشتگان و

قصه گویی استعمال می شود این واژه در قرآن هم به معنی خیر دادن از گذشتگان آمده و هم به معنای خیر دادن از حق آمده که هر دو می تواند محل شاهد ما باشد:

﴿إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ يَقْضُ الْحَقُّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ﴾ (سوره انعام آیه ۵۷): حکم جز برای خدا نیست که از حق خیر می دهد و او بهترین جدا سازندگان است.

﴿نَحْنُ نَقْضُ عَهْدَكَ يَا أُمَّةَ بِالْحَقِّ﴾ (سوره کهف آیه ۱۳): ما خیر آنها را به حق بر تو خیر می دهیم.

۹- تعلیم. به معنای یاد دادن است و در مورد تعلیم انبیاء و تعلیم قرآن استعمال شده.

﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا﴾ (سوره بقره آیه ۳۱): و خداوند به آدم همه نامها را تعلیم کرد.

﴿أَلَرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ﴾ (سوره رحمن آیه ۲): خداوند رحمان که قرآن را تعلیم کرد.

۱۰- ارائه. به معنای نشان دادن است این واژه گاهی در قرآن در مورد نشان دادن حقائق به پیامبر استعمال شده و گاهی در مورد نشان دادن آیات خدا و ملکوت زمین و آسمان به پیامبران آمده است:

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَىٰكَ اللَّهُ﴾ (سوره نساء آیه ۱۰۵).

ماکتاب را به حق برتوانزل کردیم تا میان مردم به وسیله چیزی که به تو نشان دادیم حکم کنی.

﴿وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ (سوره انعام، آیه ۷۵): و همچنین

به ابراهیم ملکوت آسمانها و زمین را نشان می دهیم.

﴿لِنُرِيكَ مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَىٰ﴾ (سوره طه آیه ۲۳): تا بر تو بعضی از آیات بزرگ خود را نشان

دهیم.

۱۱- رؤیا. گاهی خداوند در عالم رؤیا چیزی را به کسی القاء می کند مانند رؤیای حضرت

ابراهیم و رؤیای پیامبر اسلام ﷺ:

﴿لَقَدْ صَدَّقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ﴾ (سوره فتح آیه ۲۷): همانا خداوند پیامبرش را در

رؤیای حق او تصدیق نمود.

۱۲- کتابت. در قرآن کریم گاهی کتابت به معنای آمدن يك مطلب در کتاب آسمانی

استعمال شده که مربوط به وحی الهی می شود:

﴿وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَنْبُوتِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً﴾ (سوره اعراف، آیه ۴۵): همانا برای او

(موسی) درالواح از هر چیزی موعظه ای نوشتیم.

﴿ وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ﴾ (سوره تیناء، آیه

۱۰۵). همانا در زبور علاوه بر قرآن نوشتیم که بندگان صالح من وارثان زمین خواهند بود.

این دوازده کلمه ای که ذکر کردیم همگی تعبیرات گوناگونی است از همان افاضه الهی که بر پیامبران می شود و در قرآن آمده است و ما معمولاً به آن وحی می گوئیم اکنون ببینیم که خداوند چگونه و به چه صورتی به پیامبران خود افاضه می کند و حقائق را در جان و دل آنها قرار می دهد؟ قرآن کریم به این سؤال چنین پاسخ می دهد:

﴿ وَمَا كَانَ لِيَشِيرَ أَنْ يَكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَخْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴾ (سوره شوری آیه ۵۱).

هیچ بشری نیست که خداوند با او سخن بگوید مگر از طریق وحی یا از پشت پرده و یا پیکی می فرستد که به اذن خدا آنچه را که می خواهد به او وحی می کند همانا خداوند علی و حکیم است.

تدبر در مضمون این آیه نشان می دهد که تکلیم و سخن گفتن خداوند با پیامبران خود به سه صورت انجام گرفته است:

اول- وحی به صورت القاء در قلب و یا به تعبیر روایات « دمیدن در ذهن و نفس » در این نوع از وحی، پیامبر نه صدائی می شنود و نه فرشته ای می بیند و مطالب مستقیماً در جان و دل او قرار می گیرد.

اطلاق کلام و تکلیم به این نوع از وحی اشکالی ندارد زیرا کلام در واقع انتقال دادن يك مفهوم به دیگری است خواه این انتقال به وسیله الفاظ و صدا باشد و خواه به وسیله چیز دیگری انجام گیرد البته ما معمولاً از الفاظ و صدا ها استفاده می کنیم ولی خداوند می تواند بدون آنها هم مطلب را به پیامبر انتقال دهد.

دوم- به صورت صدائی که پیامبر آن را می شنود ولی صاحب آن را نمی بیند که قرآن از این نوع به « وراء حجاب » تعبیر آورده است. در این نوع از وحی، خداوند صدائی را درجائی ایجاد می کند و پیامبر آن صدا را می شنود می توان گفت آن محلی که صدا در آن ایجاد می شود به نوعی واسطه میان خدا و پیامبر است.

سوم- به صورت پیامی که به وسیله فرشته و پیک الهی به پیامبر القاء می شود که طبق روایات گاهی پیامبر فرشته را به شکل اصلی و یا به شکل شخص بخصوصی می بیند و گاهی هم

اورا نمی بیند ولی پیام را او دریافت می کند .

وحی محمدی

باتوجه به آیات و روایات بسیاری که در باره چگونگی نزول وحی بر پیامبر اسلام ﷺ آمده است معلوم می شود که پیامبر از هر سه طریق که در آیه بالا آمده ، دریافت وحی می کرده است و آیات قرآنی گاهی مستقیماً بر قلب پیامبر القاء می شد و گاهی صدائی می شنید و صاحب صدا را نمی دید و گاهی هم فرشته وحی را به صورت اصلی و یا به صورت شخص معینی می دید اینک تفصیل این سه حالت :

حالت اول - وحی الهی به طور مستقیم وبدون هیچ گونه واسطه ای در قلب پیامبر می نشست این حالت سختترین حالات وحی بود و چون وحی به این صورت نازل می شد پیامبر غرق در عرق می شد و حالتی شبیه حالت غشوه پیدا می کرد و سنگینی وحی در تمام وجود او آشکار می شد :

﴿ إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا ﴾ (سوره مزمل آیه ۴) : ما به زودی سخنی سنگین بر تو القاء خواهیم کرد .

امام صادق - علیه السلام - در تفسیر این آیه فرمود : این حالت هنگامی بود که وحی بر پیامبر نازل می شد و میان او و خدا ملکی واسطه نبود و در این هنگام حالتی شبیه غشوه بر او عارض می گردید (۱) .

ابن عباس گفته است وقتی بر پیامبر وحی نازل می شد سنگینی و درد شدیدی حس می کرد و دچار سردرد می شد (۲) .

همچنین از حضرت امیرالمؤمنین - علیه السلام - نقل شده که فرمود : چون سوره مائده بر پیامبر نازل شد آن حضرت بر استر شهباء سوار بود و به سبب نزول وحی چنان سنگینی شد که استر از رفتن بازماند و پشتش خم شد و شکمش پائین آمد به طوری که نزدیک بود ناف مرکب به زمین برسد و آن حضرت بیهوش شد و دست خود را بر سر شیبۀ بن وهب گذاشت و چون آن حالت برطرف شد سوره مائده را بر ما خواند (۳) .

(۱) بحارالانوار ج ۱۸ ص ۲۷۱ .

(۲) همان مدرک ص ۲۶۱ .

(۳) تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۲۸۸ شبیه این قصه از چند نفر دیگر هم نقل شده است .

زراره می گوید از امام صادق - علیه السلام - در باره غشوه ای که به هنگام نزول وحی بر پیامبر خدا عارض می شد پرسیدم حضرت در پاسخ فرمود: این هنگامی بود که میان او و خداوند هیچکس نبود و خداوند بر پیامبر تجلی می کرد سپس فرمود: ای زراره نبوت همین است (۱).

حالت دوم - پیامبر صدائی می شنید ولی صاحب صدا را نمی دید در این حالت نیز پیامبر رنج زیادی را تحمل می کرد و سنگینی وحی و ارتباط با عالم غیب را با تمام وجود حس می کرد.

حارث بن هشام از پیامبر نقل می کند که فرمود: گاهی وحی همانند صدائی چون صدای جرس برمن می آید و آن برمن سختترین حالت است سپس از من دور می شود و من وحی را دریافت کرده ام (۲).

از عبدالله بن عمر نقل شده که از پیامبر پرسید آیا وحی را حس می کنی؟ فرمود: آری صداهائی مانند صدای بهم خوردن فلزها می شنوم و ادامه داد هنگامی نیست که وحی برمن نازل شود و من گمان نکنم که روحم گرفته می شود (۳).

حالت سوم - وحی به وسیله فرشته و پیک الهی بر پیامبر نازل می شد و این آسان ترین و راحت ترین حالات وحی بود و چون وحی به واسطه ملک بر پیامبر نازل می شد دیگر آن رنج و ناراحتی جسمی را نداشت به طوری که در دنباله همان حدیث حارث بن هشام آمده است که پیامبر فرمود: گاهی ملک به صورت مردی برمن ظاهر می شود و بامن سخن می گوید و من سخن او را دریافت می کنم و این آسانترین نوع آن برمن است.

فرشته ای که بر پیامبر وحی می آورد جبرئیل نام داشت و در قرآن از او با نامها و اوصاف مختلفی یاد شده است که عبارتند از: جبرئیل، روح الامین، شدید القوی، رسول کریم که به ترتیب در آیات زیر آمده است:

﴿ قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَيَّ قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ ﴾ (سوره بقره، آیه ۹۷). : بگو

هرکس با جبرئیل دشمن باشد پس او قرآن را به اذن خدا بر قلب تو نازل کرده است.

﴿ نَزَّلَ بِهِ الرُّوحَ الْأَمِينَ عَلَيَّ قَلْبِكَ ﴾ (سوره شعراء، آیه ۱۹۳): قرآن را روح الامین بر قلب تو

نازل کرده است.

(۱) توحید صدوق ص ۱۱۵.

(۲) بحار الانوار ج ۱۸ ص ۲۶۰ - الاتقان ج ۱ ص ۴۴.

(۳) الاتقان ج ۱ ص ۴۴.

﴿ هَلَمَّ شَدِيدُ الْقَوَى ﴾ (سوره نجم، آیه ۵) : وحی را شدید القوی یاد داده است .
 ﴿ إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ﴾ (سوره تکویر آیه ۱۹) : همانا آن گفته رسول کریم است .
 در این آیات « روح الامین » و « شدید القوی » و « رسول کریم » به جبرئیل تفسیر شده است .
 مطلب مهمی که باید در اینجا ذکر کنیم این است که فرود وحی به وسیله ملك به چند صورت انجام می گرفت :

۱- پیامبر وحی را از ملك دریافت می کرد ولی خود او را نمی دید به این حالت در آیه ای که در بالا آوردیم ، اشاره شده است (نزل به الروح الامین علی قلبك) . و خود پیامبر در اشاره به این حالت فرموده : « إِنَّ رُوحَ الْقُدُسِ نَفَثَ فِي رَوْحِي » (۱) . : روح القدس در نفس و ذهن من دمید .

۲- پیامبر فرشته را به همان صورت اصلی می دید این حالت فقط دوبار اتفاق افتاد که ظاهراً یکبار در آغاز بعثت و یکبار هم در معراج بود . قرآن کریم از این دو دیدار خبر می دهد :
 دیدار اول- ﴿ هَلَمَّ شَدِيدُ الْقَوَى ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَى وَ هُوَ بِالْأُنْفِ الْأَعْلَى ﴾ (سوره نجم ، آیات ۵-۷) : پیامبر را « شدید القوی » تعلیم داد که صاحب قدرت است پس استوا شد (به صورت اصلی خود) درحالی که او بر افقی فراتر بود .

دیدار دوم- ﴿ وَ لَقَدْ رَأَى نَزْلَةَ أُخْرَىٰ جَنَّةٍ سِدْرَةِ الْمُنتَهَىٰ ﴾ (سوره نجم ، آیات ۱۳-۱۴) : او را یکبار دیگر دید نزد درخت سدره المنتهی .

در روایات واحادیث هم این آیات به همین صورت تفسیر شده است و در تفسیر صافی آمده که هیچ پیامبری جبرئیل را به صورت اصلی ندید مگر حضرت محمد که او را دوبار دید یکبار در زمین و یکبار در آسمان (۲) .

البته صورت اصلی جبرئیل که يك موجود مادی نیست چه بوده ما نمی دانیم اما در بعضی از روایات آمده که چون پیامبر جبرئیل را در صورت اصلی دید ، مشاهده کرد که افق را فرا گرفته است (۳) .

۳- پیامبر فرشته را نه به صورت اصلی ، بلکه به شکل يك انسان می دید و شاید بتوان گفت که این شایع ترین نوع ملاقات پیامبر با جبرئیل بود مطابق روایاتی که از طریق شیعه و سنی آمده پیامبر خدا ، جبرئیل را به شکل « دحیه بن خلیفه کلبی » می دید و به اصحابش می فرمود : هنگامی که « دحیه کلبی » را پیش من دیدید بر من وارد نشوید (۴) . و در جنگ بنی قریظه مسلمانان

(۱) الاقان ج ۱ ص ۴۴ .

(۲) تفسیر صافی ج ۵ ص ۹۱ .

(۳) الدرالمشورج ۶ ص ۱۲۳ . (۴) سفینه البحار ج ۱ ص ۴۴۱ .

دحبه کلبی را دیدند که به تنهائی به طرف دشمن می رود وقتی به پیامبر خبر دادند اظهار داشت که او جبرئیل بود و برای ایجاد وحشت میان آنها می رفت (۱).

همچنین در بعضی از احادیث، دیدار حضرت علی با دحبه و سلام کردن او بر آن حضرت نقل شده که پیامبر پس از رفتن دحبه فرمود: او جبرئیل بود (۲).

واضح است که دیدار با جبرئیل با صورت اصلی او برای پیامبر با توجه به جنبه بشری که داشت مشکل و طاقت فرسا بود و لذا جبرئیل به صورت يك انسان متمثل می شد تا دیدار با پیامبر آسان باشد و چون دحبه کلبی طبق روایات، زیباترین فرد در مدینه بود و وقتی راه می رفت همه او را تماشا می کردند، تمثل جبرئیل به شکل او از هر جهت تناسب داشت.

(بقیه از صفحه ۷۳)

زمستان بسیار سختی برای آنها در پیش باشد.

در این حال رادیو ساریوو اعلام کرد مسلمانان مدافع شهر استاپ حمله تانکهای ارتش صرب را در غیر این شهر درهم شکسته و آنها را وادار به عقب نشینی کرده اند این رادیو اشاره ای به جزئیات درگیریها نکرد.

رئیس جمهوری پاکستان خواستار اعاده حق حاکمیت مردم بوسنی هرزگوین بر تمام خاک کشورشان بر اساس منشور سازمان ملل متحد شد.

غلام اسحاق خان رئیس جمهور پاکستان در ضیافت شامی که یکشنبه شب به افتخار رئیس جمهور بوسنی در اسلام آباد بر پا کرد خواستار اعزام فوری نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل متحد به بوسنی هرزگوین برای جلوگیری از انهدام کامل آن جمهوری شد.

غلام اسحاق خان ضمن اعلام حمایت پاکستان از حکومت و مردم بوسنی هرزگوین خواستار تلاش کشورهای جهان برای اجرای قطعنامه های سازمان ملل و خاتمه دادن به تجاوزگری و نقض حقوق بشر در بوسنی هرزگوین شد رئیس جمهور پاکستان همچنین آمادگی کشورش را برای اعزام نیروی نظامی پاسدار صلح به بوسنی هرزگوین تحت نظارت سازمان ملل متحد اعلام کرد غلام اسحاق خان همچنین از درخواست جمهور بوسنی هرزگوین برای تجدید نظر سازمان ملل در مورد محدودیت ارسال سلاح حمایت کرد و گفت اگر جامعه جهانی در این مورد تصمیم فوری نگیرد تاریخ ما را نخواهد بخشید.

(۱) بحارالانوار ج ۲۰ ص ۲۱۰.

(۲) همان مدرک ج ۲۲ ص ۳۳۲.